



Jurisprudential analysis of hijab in Islamic religions and the effect of its function in the family and society

Seyed Javad Khatami



Khatami455@gmail.com

Assistant Professor and Faculty Member of Hakim

Saeedeh Taheri



Taherisaeideh71@yahoo.com

Master of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Hakim Sabzevari

Abstract

The existence of women's hijab in front of non-mahram men is agreed upon by all Islamic religions. But its limits and size are discussed by the jurists. Most jurists agree that the use of hidden ornaments for women in the presence of non-mahrams (both in public and in private) is forbidden and also in their view not only the use of tools such as necklaces, rings and Bracelets, which are traditionally called ornaments, are forbidden under the gaze of non-mahrams, but wearing clothes with impressive colors is also considered a kind of adornment, even if it covers the whole body. Islamic Penal Code: Anyone who publicly pretends to commit a forbidden act in public and in public places, in addition to the punishment of the act, shall be sentenced to imprisonment from ten days to two months or up to 74 lashes. It is not a punishment, but if he violates public decency, he will only be sentenced to imprisonment from ten days to two months or up to 74 lashes. Appear in public and in public, from imprisonment for ten days to two months or from pen Of course, according to Article 2 of the Islamic Penal Code, if the judge decides, he can turn the imprisonment and flogging of the accused into a fine.

Keywords: Hijab, family, community, jurisprudence, Islamic religions.



واکاوی فقهی حجاب در مذاهب اسلامی و تأثیر کارکرد آن در خانواده

✉ Khatami455@gmail.com

سید جواد خاتمی استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری

✉ Taherisaeideh71@yahoo.com

سعیده طاهری کارشناس ارشد فقه مبانی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹،۰۳،۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹،۰۹،۲۰

چکیده

وجود حجاب بانوان در برابر مردان غیر محرم مورد توافق همه مذاهب اسلامی است. اما حدود و اندازه آن مورد بحث و گفت‌وگوی فقهاست اکثر فقها متفق القولند که استفاده از زینت‌های پنهان برای زن در حضور نامحرم (چه در انظار عمومی و چه در محیط‌های خصوصی) حرام است و همچنین از نظر آنها نه تنها استفاده از وسایلی مانند گردنبند، انگشتر و دستبند که عرفاً به آنها زینت‌آلات می‌گویند در زیر نگاه نامحرم حرام است بلکه پوشیدن لباس‌هایی با رنگ چشمگیر را نیز نوعی زینت به حساب آورده‌اند اگرچه تمام بدن را بپوشانند. اهل سنت اتفاق دارند که جمیع بدن زن غیر از وجه و کفین باید از نامحرم پوشیده شود طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی: هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در تبصره این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». البته بنا بر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه قاضی تشخیص بدهد، می‌تواند حبس و شلاق متهم را به جزای نقدی تبدیل کند.

واژگان کلیدی: حجاب، خانواده، اجتماع، فقهی، مذاهب اسلامی



مقدمه

مسئله حجاب و پوشش زن و حفظ حریم زن و مرد در اسلام مورد توجه بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و در زمینه خانواده و استحکام پیوند خانوادگی نیز باید اذعان داشت که هر چیزی موجب تحکیم آن و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و می‌توان گفت بی‌حجابی ناهنجاری اجتماعی است که به تحریک جنسی دامن می‌زند. حفظ پوشش و حجاب در هنگام حضور در جامعه و منع کامیابی جنسی دیگران از این طریق می‌تواند خود موجب تحکیم روابط زوجین گردد. مسئله مهم بعدی استواری اجتماع به واسطه حجاب است. کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند و افراد انگیزه نشاط و فعالیت خود را از دست می‌دهند و زمینه شیوع فساد و فحشاء در جامعه به تدریج ایجاد می‌شود و اینکه پوشانیدن بدن به جز صورت و کفین مانع هیچ‌گونه فعالیت نیست و بدین سان زن با رعایت حجاب احساس امنیت و آرامش در جامعه می‌کند. نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتی انسان محیط خانوادگی است و اولین الگوی یک انسان که در دامن خانواده پرورش می‌یابد پدر و مادر وی هستند خانواده به‌عنوان هسته اولیه و اصلی فرد شخصیت فکری و روانی انسان را تشکیل می‌دهد. حجاب یکی از مسلمات دین و ضرورت‌های شریعت اسلامی است که در جامعه اسلامی ما، علاوه بر جنبه اعتقادی و دینی آن، به‌صورت قانونی که برای همه بانوان با اعتقادات متفاوت لازم‌الاجرا است، درآمده است. حجاب برای زنان اجباری بوده و بی‌حجابی نوعی جرم محسوب می‌شود اما فاقد تعریفی مشخص و بدون ضابطه معین حدود و ثغور حجاب مدنظر نظام به‌صورت قانونی تعریف و تبیین نشده است. از آنجایی که راه‌حل قانونی رفع اجمال و ابهام از مواد قانونی، با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری، رجوع به منابع معتبر فقهی است.

۲- پیشینه تاریخی

حجاب و عفاف، از جمله مسائلی است که در همه ادیان به آن توجه ویژه‌ای شده است و مانند سایر آداب و رسوم در گذرگاه زمان همواره دچار تغییر و تحولاتی بوده و به عبارتی سیر تکاملی را پیموده است. ریشه‌یابی حجاب در طی تاریخ، نشان می‌دهد که نخستین انسان‌های روی زمین نیز حجاب را باور داشته و به این منظور از شاخ‌وبرگ درختان برای پوشاندن بدن خود استفاده می‌کرده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین، از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار و پیرو دین زرتشت بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر



و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند؛ بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می‌کرد. کاربرد واژه چادر و برقع که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. مسیحیت، برای ازبین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان حتی برای خاتون‌های اشراف ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت و در نهایت در دین اسلام حجاب یکی از شعایر بارز اسلام، موضوعی جالب‌توجه و مورد مناقشه بین اصحاب فکر، عالمان دینی و همچنین شهروندان جامعه دینی قرار گرفته است. پژوهش‌هایی که درباره حجاب انجام شده، بسیار زیاد است، ولی به دلیل بُعد تبیینی که این مسئله دارد، با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از زوایای جدیدی از آن را استخراج کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: محمدی آشنایی (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان حجاب در ادیان الهی به بررسی حجاب پرداخته است. او ضمن مرور بر مسئله حجاب در ادیان مختلف از گذشته‌های دور تا امروز، بر فطری بودن حجاب تأکید و در پایان، علل انحراف شرایع از حجاب را مطرح ساخته است و به آثار بدحجابی در جامعه پرداخته است. استاد مطهری (۱۳۵۳) در کتاب مسئله حجاب به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود درباره آن پرداخته است. او ضمن تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می‌داند.

۳- مفاهیم

۳-۱- مفهوم لغوی حجاب

حجاب در لغت به معنای پوشش است، به همین علت این کلمه را معادل «ستر» قرار می‌دهند. جوهری در تعریف حجاب می‌نویسد: حجاب، پوشش است. ابن منظور در یکی از دو تا تعریفی که برای حجاب آورده، می‌گوید: حجاب از ماده حجب که به معنای پوشش خواهد بود؛ زمانی که گفته شود: فلان چیز را محجوب کرد و در حجاب قرارداد معنایش این است که آن را پوشانده و مستور ساخته است. (ابن منظور، لسان العرب ۱۴۱۴: ۱/۲۹۸). بنابراین وقتی به زن، صفت محجوبه داده می‌شود، اما معنای اصلی واژه حجاب هر چیزی است که مانع، رادع، فاصله و حایل میان دو چیز قرار گیرد. اگر به پوشش هم حجاب اطلاق می‌کنند، به سبب مانعیت آن است؛ زیرا حجاب حرمت و کرامت زن را از گزند نگاه آلود نامحرمان و بیگانه مصون و محفوظ می‌دارد و میان عفاف زن و آرایش نگاه نامحرم، فاصله ایجاد می‌کند (طریحی، مجمع البحرین ۱۳۷۵: ۳۳/۲).



۳-۲- مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علومی چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خود را دارد. در فقه، این واژه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد، به کار رفته است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده است و به پوشش خاص زنان اطلاق گردیده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه (سیوطی، ۱۴۰۳ق) و چه در کتاب النکاح (ابوزید، ۲۰۰۴م) که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا چنان‌که گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عدّه زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۶۴)

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوط، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور، چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بی‌آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است. (اردبیلی، ۱۴۲۱م)

۴- حجاب در قرآن

واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم (غالباً به معنای مانع و حائل) به کار رفته است (اعراف، ۴۵؛ مریم، ۱۷؛ احزاب، ۵۳؛ ص: ۳۲؛ فصلت: ۵؛ شوری: ۵۱) اما فقط آیه ۵۳ سوره احزاب - که مردان مسلمان را از رودرو شدن با همسران پیامبر صل الله علیه و آله منع کرده - به نظر می‌رسد نزول این آیه نخستین مرحله تبیین لزوم پوشیده بودن زنان در مواجهه با مردان غیر محرم بوده که مفهوم و حدود آن به تدریج در سیر نزول آیات بسط یافته است. در این آیه به مردان دستور داده شد که با همسران پیامبر از پشت پرده «من وراء حجاب» سخن گویند و همسران پیامبر در برابر دیدگان نامحرمان پیدا نباشند و این کار برای پاک‌ی قلبی هر دو طرف بهتر دانسته شد. حکم آیه - که به سبب ذکر واژه حجاب در آن، به «آیه حجاب» معروف است - به همسران پیامبر اختصاص داشت و دیگر



زنان مسلمان را در برنمی‌گرفت (طبرسی، ۱۴۰۷ هـ، ابن کثیر، ۱۴۱۲ هـ، شوکانی، بی تا؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۴ هـ، ذیل آیه). حدیث ابن ام مکتوم - که مطابق آن پیامبر اکرم به همسران خود دستور دادند که در برابر مرد نابینا خود را در پشت حائلی پوشیده دارند (کلینی ۱۴۰۱ هـ، ج ۵، ص ۵۳۴؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۹۱ - ۹۲؛ حر عاملی).

۵- آثار و فواید حجاب

آثاری که از حجاب به‌جا می‌ماند، ابتدا در روح و روان فرد پدیدار می‌شود؛ زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادگی برای خود پوششی انتخاب می‌کند، حتماً در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسلمان است. در جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده، محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به‌سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند. داشتن حجاب بی‌تردید فواید زیادی دارا می‌باشد که مهم‌ترین آنها:

بُعد فردی: مصونیت، آرامش و امنیت زن: انسان در پناه محافظ، احساس آرامش بیشتری دارد و در صورت پیشامدهای احتمالی از مصونیت آن برخوردار است. پوشش دینی نیز نگرهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر باشد، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود (اکبری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷). شهید مطهری تأثیر پوشش اسلامی در ایجاد آرامش روانی را چنین تبیین می‌کرد: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزون می‌بخشد و تقاضای سکس را به‌صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه جنسی یک غریزه نیرومند عمیق و دریا صفت است هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۴۳۴).

بُعد خانوادگی: چنانچه لذت‌های جنسی در درون چارچوب خانواده از راه قانونی ارضا شود، روابط میان زن و شوهر مستحکم‌تر شود مرد تنها از یک زن استمتاع خواهد جست و در غیر این صورت چنانچه مرد در بیرون خانواده به دنبال لذت‌های خود باشد خانواده از هم می‌پاشد و جامعه با معضل طلاق، فرزندان طلاق، زنان بی‌سرپرست و... مواجه خواهد گشت. خداوند در سوره نور می‌فرماید: وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُرْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ



بِخُمْرَيْنَ عَلَيَّ جُيُوبِهِنَّ... و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) (النور/۳۱)

بعد اجتماعی: هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است. این مسئولیت، عام است؛ یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها. پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار این‌گونه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامعه مقدس حجاب را از تن بدرد، از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵) افراد در شبکه‌های متفاوت جامعه نقش ایفا می‌کنند؛ شبکه‌هایی نظیر شبکه مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به‌نوعی مسیر حرکت آنان برای حفظ هنجارهایی مانند حجاب می‌باشد (ر.ک؛ شکوری، ۱۳۹۰: ۶). محیط اجتماع و روابط میان افراد باید در چارچوب درست و با هدف پیشرفت کار و کوشش اجتماعی در زمینه‌های مختلف باشد چنانچه در جامعه بی‌حجابی و بی‌بندوباری افزایش می‌یابد سعی در ارضای نیازهای جنسی خواهد بود و جامعه از وجود نیروی کار فعال و مثبت محروم خواهد گشت.

بعد اقتصادی: استفاده از حجاب و پوشش، به‌ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به‌شرط این‌که خود چادر مشکی دستخوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به‌گونه‌ای که برخی از بانوان به‌جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند. (اردوباری، ج ۳، ص ۲۲۲). استفاده از حجاب و پوشش ساده و عدم پیروی از مد و لوازم آرایشی به طبع از هزینه‌های سرسام‌آور و اضافی که برای مصارف بیرون از خانواده استفاده می‌شود جلوگیری خواهد کرد.

۶- حجاب عامل استحکام خانواده

حجاب، باعث تحکیم پیوند خانوادگی و استحکام خانواده است. مردی که بیرون از خانه دائماً در معرض جلوه‌های زن‌هایی جز همسر خود است و با تحریک‌های جنسی گوناگون مواجه می‌شود،



کم کم از همسر خود دلسرد می‌گردد و در نتیجه، محیط خانواده انسجام خود را از دست می‌دهد و سست و چه بسا متلاشی می‌شود، چرا که همسر او حد معینی از زیبایی دارد و همه جذابیت‌ها و زیبایی‌های ظاهری زنان خودآرا و جلوه‌فروشی را که در جامعه می‌بینند، ندارد. اگر بخواهیم بنیاد خانواده مستحکم باشد، باید مرد از معرض چنین جلوه‌هایی مصون بماند و برای این منظور، زنان باید پوشیده و موقر در جامعه ظاهر شوند. این به سود خودزن هم هست. چون زنی که بیرون از خانه خودنمایی می‌کند، چه بسا خود نیز شوهری دارد. به زنی که خود را بزرگ می‌کند و در جامعه حاضر می‌شود باید گفت چه بسا زن دیگری نیز این‌گونه خود را بیاراید و در برابر شوهرت ظاهر شود و دل شوهر تو را برآید و کم کم محیط خانوادات سرد و متلاشی شود. آیا این به سود توست؟ همین بلایی که تو داری به سر دیگران می‌آوری، دیگران هم می‌توانند سر تو بیاورند. حجاب این امکان را فراهم می‌کند که مرد از یک سو توجه بیشتری به خانواده‌اش داشته باشد و از سوی دیگر فراغت خاطر بیشتری برای اندیشیدن درباره خدا و حقایق معنوی و متعالی پیدا کند. پس از این جهت هم می‌توان حجاب را یک امر ضروری و منطقی تلقی کرد. (ساعتچی، احمدعلی، ۱۳۸۶) هر چیزی که موجب مستحکم شدن پیوند خانوادگی می‌شود باید تقویت گردد و عکس آن یعنی هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد برای زندگی خانوادگی بسیار زیان دارد و باید با آن به مبارزه برخاست. چون با رعایت کردن حجاب مرد احساس می‌کند که همسر خویش فقط در کنار وی و شریک قابل اعتماد اوست و در نتیجه باعث مستحکمی بنیان خانواده می‌گردد. یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است، اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیشتر کانون خانواده می‌گردد و برعکس فقدان حجاب، باعث انهدام نهاد خانواده است. (کوهی، ۱۳۸۶) بر اساس نظام تکوین، گزینه خودآرایی و جلوه‌نمایی برای استحکام خانواده در سرشت هر زن تعبیه شده است، آن‌گاه خداوند با الهام درونی و فرستادن پیامبران و نازل کردن کتب آسمانی، روش صحیح بهره‌مندی از این دو گزینه را به او نشان داده و او را آگاه کرده است که مکان خودنمایی با آرایش، محیط داخلی خانواده و محل پوشش و احتجاب، خارج از خانه و در برابر بیگانگان است. پوشش زن سبب می‌شود که استفاده‌های جنسی، محدود به محیط خانواده شود که در این صورت، حفظ اجتماع و استفاده کامل از نیروی فعال آنان را در پی دارد. درحالی‌که وجود زنان بی‌حجاب و بدحجاب که دل مردان سست اراده و کم ایمان را می‌ربایند و با حرکات و آرایش خود همه نظرها را متوجه خودشان می‌سازند، به رکود فعالیت‌های اجتماعی و عدم موفقیت در مراحل گوناگون کمک می‌کند و در نهایت به پاشیدگی و تیرگی کانون خانواده می‌انجامد (اکبری، ۱۳۸۷). یکی از



نویسندگان تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده این گونه بیان کرده است: در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است، مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد، و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیدا است که اندک‌اندک بهار چهره‌اش شگفتی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد، در چنین حال که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است ناگهان زن جوان‌تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد؛ و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بربادرفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است. (کوهی، ۱۳۸۶) اگر زنان در جلوه‌گری و نمایش زیبایی‌های ظاهری خود در خارج از محدوده خانواده آزاد باشند، چگونه می‌توانند برای شوهران خود همسری با وفا باشند و در نتیجه مایه خرسندی خود و آرامشگر زندگی آنان باشند؛ آن‌ها به زودی محبت همسرانشان را از دست می‌دهند و عشق و صمیمیت جای خود را به اختلاف و نزاع می‌دهد و نتیجه آن جز دچار شدن زنان به فشارهای روانی چیز دیگری نیست. (طیبی ناهید، فرهنگ حجاب و عفاف ص ۱) فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار می‌رود و در نتیجه کانون اجتماعی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری نمی‌شود. (حدادعادل، غلامعلی، ۱۳۸۱) یکی از اهداف مهم توصیه‌ها و قوانین عفاف در ادیان به سازمان خانواده بازمی‌گردد خانواده به‌عنوان اساس و پایه نظام جامعه، حتی در حال حاضر مهم‌ترین سازمان اجتماعی محسوب می‌گردد. سلامت هر جامعه و افراد آن منوط به سلامت و کارایی خانواده‌های آن است. اولین تأثیر، تقویت محبت و صمیمیت بین زن و شوهر است که بسیاری از مؤلفان به آن اشاره کرده‌اند. (رجبی، عباس، ۱۳۸۸) از نظر اسلام محدودیت کامیابی جنسی به محیط خانه و همسر مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع تعبیه شده است.

۷ - حجاب عامل مؤثر در بعد اجتماعی

حجاب یکی از فواید مهم در بعد اجتماعی و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است، در مقابل بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. (حسینیان، فلسفی، ج ۲) اسلام می‌خواهد با رعایت



حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت‌های جنسی فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود (مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۴) اشتباه است اگر گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است (برخلاف برخی فلاسفه و روان‌شناسان معاصر غرب) و از آن پس آرام می‌گیرد. همانند ثروت طلبی و مقام‌پرستی، هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان از هیچ زنی نامحدود ناشدنی است و مقرون به‌نوعی احساس محرومیت که نهایتاً منجر به بیماری‌های روانی می‌گردد. (حسینیان، روح‌الله، ۱۳۷۶) برای جلوگیری از فروپاشی بنیان خانواده و حفظ نظام جامعه و تأمین امنیت روانی جامعه باید فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه نهادینه گردد. در اجتماع زنان موجودی حساس و پر عاطفه تلقی می‌شوند. زمانی کانون گرم اجتماع استمرار می‌یابد که بر توانایی‌ها و ارزش‌های وجودی زنان ارج گذاشته شود. زن به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین عنصر جامعه قلمداد می‌شود. اگر جامعه‌ای بخواهد در برابر طوفان‌ها و تهدیدها و خطرات احتمالی ایمن باشد باید زنان آن پاکدامنی پیشه کنند تا هم جامعه از بحران‌ها حفظ شود و هم سلامت و بهداشت روحی و روانی افراد آن تأمین شود. زنان زینت اجتماع هستند، بدون زن اجتماع چهره‌زیبای خویش را از دست خواهد داد. زنان با پاکدامنی خویش امنیت و اصلاح جامعه را که ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز آن است، تضمین می‌کنند. آن‌ها اولین تأثیر را بر خانواده خود می‌گذارند و با شکل‌گیری خانواده‌ای سالم و دارای افرادی با سلامت روحی و روانی به شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و به‌دوراز فساد و فحشا می‌انجامند. زیرا بسیاری از فرهنگ‌ها حريم و حرمت‌های جامعه تا حد زیادی به کانون خانواده بستگی دارد. بنابراین وجود زنی پاکدامن در خانواده، پیشرفت فرهنگ و تمدن در اجتماع را به دنبال دارد و ارزش‌های انسانی در اجتماع حفظ می‌شود. زنان سعادت‌مند، موجب انتقال خوشبختی و کامیابی به نسل‌های بعد هستند. اگر خواهان توفیقات جامعه بشری هستیم باید زنان سعادت‌مند داشته باشیم. (اسدالله، جنت بوداخی، ۱۳۸۶) زمانی که زنان در جامعه با آرامش به تولیدگری خود بپردازند یعنی پرورش دادن فرزندان با حجاب مناسب، استواری جامعه تضمین خواهد شد و کشاندن توقعات جنسی از محیط خانواده به اجتماع و نیروی کار، فعالیت اجتماع را منحرف و فلج می‌کند.

۸- بررسی فقهی و حقوقی حجاب

وجود حجاب بانوان در برابر مردان غیر محرم مورد توافق همه مذاهب اسلامی است (طباطبایی، یزدی، ۱۴۱۷) اما حدود و اندازه آن مورد بحث و گفت‌وگوی فقهاست. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که بر تشریح تدریجی حجاب در عصر نبوی دلالت دارد و به طور گسترده می‌توان در



احادیث منقول از پیامبر (ص) و ائمه اطهار و در سیره آنها یافت. در منابع حدیثی و فقهی توضیح داده شده است که واجب نشدن پوشش صورت و دست‌ها به معنای جایز نبودن پوشش آنها نیست و اساساً پوشیده‌تر بودن زنان کاری نیکو و رعایت حریم میان زن و مرد غیر محرم تا حد امکان، مطلوب است. ضمن آن که این توصیه‌های اخلاقی که غایت آنها مراقبت از سلامت زندگی اجتماعی و پیشگیری از زمینه‌های بروز بی‌بندوباری است، نباید با احکام فقهی الزامی خلط شوند. اکثر فقها متفق القولند که استفاده از زینت‌های پنهان برای زن در حضور نامحرم (چه در انظار عمومی و چه در محیط‌های خصوصی) حرام است و همچنین از نظر آنها نه تنها استفاده از وسایلی مانند گردنبند، انگشتر و دستبند که عرفاً به آنها زینت‌آلات می‌گویند در زیر نگاه نامحرم حرام است بلکه پوشیدن لباس‌هایی با رنگ چشمگیر را نیز نوعی زینت به حساب آورده‌اند اگرچه تمام بدن را بپوشاند (حکیم ۱۴۰۶ ج ۵:ص ۲۴۱). همچنین، ظاهر کردن هر آنچه را که در نظر عرف زینت و آرایش برای زن محسوب می‌شود در برابر مرد نامحرم جایز ندانسته‌اند. امام خمینی هم مبنا در زینت را عرف دانسته و می‌فرماید: هر چیزی که عرفاً زینت محسوب شود، و در عرف مردم بر آن زینت اطلاق کند حرام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲:ص ۳۲۲ مسئله ۴). اسلام به خطرات ناشی از روابط زن و مرد کاملاً واقف است. نهایت مراقبت را در برخورد زنان و مردان اجنبی دارد. تا حدودی که منجر به حرج و فرج نشود، طرف‌دار دورنگه داشتن زنان و مردان است. می‌گویند پیغمبر در زمان حیات خویش اشاره کرد که در ورودی زنان از در ورودی مردان مجزا باشد، یک روز رسول خدا بیرون مسجد بود دید، زنان و مردان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، به زن‌ها خطاب کرد و فرمود بهتر این است که شما صبر کنید آنها بروند شما از کنار بروید، به همین دلیل فقها فتوا می‌دهند که اختلاط زنان و مردان مکروه است. از نظر فقها ضابطه کلی برای حجاب شرعی عبارت است از: الف) از پوشاندن کامل بدن به نحوی که تمام بدن از دید نامحرم به دور ماند به جز وجه و کفین. ب) لباس و پوشش زنان نباید نسبت به زمان و مکان جامعه اسلامی غیر متعارف باشد به نحوی که موجب انگشت‌نما شدن و مورد توجه قرار گرفتن آنها در برابر دیگران شود. بنابراین اگر زن خود را اگرچه با لباس ضخیمی بپوشاند ولی لباس مورد استفاده آن قدر تنگ باشد که حجم بدن او را آشکار کند یا به هر طریق دیگری مانند پوشیدن مانتوهای خیلی کوتاه یا بلوز شلوار و... از حالت متعارف خارج شده و موجب جلب توجه قرار گرفتن زن در ملا عموم شود باز حجاب شرعی محقق نشده است. اهل سنت اتفاق دارند که جمیع بدن زن غیر از وجه و کفین باید از نامحرم پوشیده شود؛ بنابراین وجه و کفین را استثنا می‌کنند (به کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، ص ۸۶ مراجعه فرماید). در فقه اهل تسنن بحث پوشش و حدود آن در فقه جایگاه مستقلی نداشته و فقط در دو مورد مطرح



شده، ستر در نماز که یکی از مقدمات و شرایط نماز است و دیگری کتاب نکاح به مناسبت جواز نگاه کردن مرد به زنی که برای خواستگاری رفته است؛ تنها فقیهی که این مسئله را به طور مستقل بیان نموده سرخسی می باشد، ایشان مطابق فقه حنفی، مسئله پوشش مردان و زنان و مسئله نگاه به یکدیگر را به طور مستقل بررسی نموده است (سرخسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ص ۱۴۵). در بحث ستر نماز، بسیاری از فقها تصریح کرده اند، حد پوشش مخصوص نماز نیست و غیر نماز را نیز شامل می شود. به عنوان نمونه ابن حزم می نویسد: «والعوره المفترض سترها عن الناظر و فی الصلاة» (ابن حزم، بی تا: ج ۳، ص ۲۱۰). همچنین از استنادی که اغلب آنان به آیه «ولایبدین زیتهن» دارند، این مطلب معلوم می شود که بسیاری از فقهای اهل تسنن مسئله پوشش و حدود آن را به طور عام مطرح کردند. شافعی: «و کل المراه عوره الا کفیها و وجهها و ظهر قدمیها» (شافعی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۰۹). زنان باید همه بدن، غیر از چهره، دستها و پاها را بپوشانند، برخی دیگر از علمای شافعی فقط به استثنای چهره و دستها تصریح کرده و به پاها اشاره نکرده اند (مزنی، بی تا: ص ۱۶؛ شربینی، ۱۳۷۷ق: ج ۱، ص ۱۸۵؛ نووی، بی تا: ج ۳، ص ۱۶۵). البته رافعی شافعی مذهب در شرح خود بر «الوجیز» غزالی تصریح می کند: «ولایستثنی ظهور قدمیها» (رافعی، بی تا: ج ۴، ص ۸۸). یعنی پوشش قدمها واجب بوده و حکم چهره و مچ دست را ندارند. اما برخی نیز از دیدگاه شافعی معتقدند زنان باید چهره و دستهای خود را هم بپوشانند (جزیری، بی تا: ج ۱، ص ۲۹۰). مالک بن انس رئیس مذهب مالکی معتقد است: «اذا صلت المرأة و شعرها باد او صدرها او ظهور قدمیها فلتعد الصلاة» (ابن انس، بی تا: ج ۱، ص ۹۴). (اگر زنی هنگام نماز سر و سینه اش پیدا باشد یا پشت پایش پوشیده نباشد، نماز را اعاده کند) مالکی ها چهره و مچ دستها را از پوشش استثنا کرده اند (ر.ک. رعینی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۸۱؛ ابو برکات، بی تا: ج ۱، ص ۲۱۴؛ دسوقی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۲۱۴). برخی از فقهای حنفی نیز همین نظر را پذیرفته اند (ر.ک. مصری، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۶۹؛ کاشانی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۱۲۱؛ ماردینی، بی تا: ج ۲، ص ۲۲۵). اما برخی دیگر قدمها را هم از پوشش استثنا کرده اند (ر.ک. حصکفی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۴۳۷). ابن رشد اندلسی که فقیهی مستقل است نیز به ابوحنیفه نسبت می دهد، پوشش قدمهای زن لازم نیست (اندلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۹۵) حنبلی ها نیز دو گروه شده اند، برخی چهره و دست را استثنا کرده اند (ابن قدامه، بی تا: ج ۱، ص ۱۵). ولی بیشتر آنان پوشش تمام بدن زن غیر از صورت را واجب دانسته اند؛ برخی هم آشکار شدن دستها را اجازه نداده یا حداقل در آن تردید کرده اند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۶۳۷؛ بیهوتی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۳۱۶؛ عبدالوهاب، بی تا: ج ۱، ص ۵) شوکانی اختلاف آراء فقها را این گونه بیان می کند: در مقدار عورت زن آزاد اختلاف است، برخی معتقدند همه بدن وی عورت است، مگر چهره و مچ



دست‌ها و این نظر برخی از فقهای مستقل عصر اول است. شافعی، ابوحنیفه و مالک نیز در یکی از آراء خود این نظر را قبول کرده‌اند، برخی دیگر قدم‌های پا را اضافه کرده‌اند که ابوسفیان ثوری و ابوحنیفه در روایت دوم از وی، بر همین رأی مستقر شده‌اند. گروه دیگر به استثنای چهره، تمام بدن زن را عورت دانسته‌اند، مانند احمد بن حنبل و داود؛ گروه چهارم تمام بدن زن را عورت می‌دانند بدون هیچ استثنایی که دیدگاه برخی از پیروان شافعی است و از احمد نیز نقل شده و دلیل این همه تفاوت، اختلافی است که در میان مفسرین در رابطه با آیه «الا ما ظهر منها» واقع شده است (شوکانی، ۱۹۷۳م: ج ۲، ص ۵۵). بنابراین اولاً تمام فقهای اهل سنت، اصل وجوب پوشش بدن زن را واجب شمرده و بر آن ادعای اجماع نموده‌اند (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹؛ حرانی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۵۹). تا آن جا که حنبلی‌ها حتی در حالت خلوت و نبودن نامحرم هم پوشش زن را لازم می‌دانند (حرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۵). زیرا برخی از ادله پوشش زنان عام است و همه حالت‌ها را شامل می‌شود، مانند روایت بهزبن حکیم که نقل شد، روایت دیگر از ابن عمر آمده: «ایاکم و التعری فان معکم من لایفارقکم» از عریان شدن پرهیزید، چرا که خداوند همیشه همراهتان است (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۱۹۹). ثانیاً علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت پوشش چهره را لازم نمی‌دانند حتی محمد بن عبدالوهاب، مؤسس مذهب وهابیت، با همه سخت‌گیری‌ها و خشونت پیروانش در شرایط فعلی عربستان و به‌خصوص بهانه‌های جدیدی که اخیراً نسبت به بدحجابی زنان زایر ایرانی مطرح کرده‌اند، تصریح می‌کند: پوشش چهره زن لازم نیست: «و الحره کلها عوره الا وجهها» (عبدالوهاب، بی‌تا: ج ۱، ص ۵). اما در مورد پوشش قدم‌ها هرچند به‌عنوان یک نظریه در میان حنفی‌ها مطرح شده است (ر.ک. شوکانی: ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حزم، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۱۰؛ رعینی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۸۱؛ زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹). اما برخی معتقدند عسر و حرج در مورد پا بیشتر از مچ دست می‌باشد، به‌ویژه در مورد زنان روستایی و فقیر که برای امرارمعاش نیاز به تردد در بیرون از خانه دارند (سایس، بی‌تا: ص ۵۸۶). ولی برخی تصریح کرده‌اند، مقصودشان فقط در حال نماز است (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۷۳۹) در ابتدای انقلاب این‌گونه نبود که بلافاصله بعد از وقوع انقلاب آثار کشف حجاب رضاخان در ایران از بین برود. بلکه در ابتدای انقلاب هنوز قانون عفاف و حجاب مطرح نشده بود و علی‌رغم اینکه ارزش‌های جامعه عوض شده است و حجاب به یک ارزش تبدیل شده است اما افراد وابسته به برخی از گروهک‌ها که احساس می‌کردند در انقلاب شکسته خورده‌اند سعی داشتند با خودنمایی در جامعه از فراموشی خود جلوگیری کنند و پوشش دادن شکست خود را در بی‌حجابی زنان دیدند به همین علت به اعضای زن خود گفتند تا در جوامع



بدون حجاب حضور پیدا کنند. به این ترتیب در ابتدای انقلاب عده‌ای از زنان مورد سوءاستفاده برخی از گروه‌ها قرار گرفتند و عفت خود را از دست دادند. حضور زنان بی حجاب در مجامع عمومی و ادارات و سازمان‌ها باعث شد تا امام خمینی به این موضوع واکنش نشان دهند. در ۱۵ اسفند سال ۵۷ امام خمینی در این خصوص تذکر می‌دهند و می‌فرمایند: وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند. زن‌ها برونند؛ اما با حجاب باشند. مانعی ندارد برونند کار بکنند، لکن با حجاب شرعی باشند. در پی این تذکر امام خمینی عناصر گروهک‌های ضد انقلاب دست به اعتراض علیه این سخنان امام می‌زنند. برخی از زنان در برخی از ادارات دست به اعتراض زدند و در برخی موارد گردهمایی‌هایی نیز رخ داد. در این شرایط که ممکن بود مردم در اثر سخنان امام به بی حجاب‌ها متعرض شوند و هرج و مرج به وجود بیاید دفتر امام پیامی صادر کرد و در آن فرموده بودند کسی حق تعرض به بی حجاب‌ها را ندارد و تنها دستگاه‌های مرتبط و مسئول باید با آنها برخورد کنند. در این زمان که دولت خود وابسته به افراد ملی مذهبی هست اعتقادی به اینکه باید در جامعه حجاب اجباری باشد ندارد و علی‌رغم فرمان امام مبنی بر این که دستگاه‌های مرتبط مسئول برخورد با بدحجابان هستند را از طرف خود نفی می‌کند. پانزده اسفند پنجاه و هفت، یک ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمانی که هنوز قانون اساسی تدوین نشده و به تصویب نرسیده بود، امام خمینی (ره) نسبت به وضعیت حضور زنان در ادارات دولتی انتقاد کرده و فرمودند: وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند؛ زن‌ها برونند، اما با حجاب باشند. مانعی ندارد برونند؛ اما کار بکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند (امام خمینی، ۱۳۸۶ ش. ج ۶، ص ۳۲۹). این در شرایطی است که امام (ره) در مصاحبه‌ای در تاریخ هفتم دی همان سال، در پاریس فرمودند: زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد (خمینی، ۱۳۸۶ ش. ج ۵، ص ۲۹۴). دقیقاً به‌خاطر پایداری بر سر همان اصول است که در تیرماه ۱۳۵۹، طی پیامی در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و احیاناً ضدانقلاب، به بانوان بی حجاب، اعلام داشتند: ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است، و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریان‌ها جلوگیری کنند (امام خمینی، ۱۳۸۶ ش. ج ۱۲، ص ۵۰۲). در پی این تذکرات مداوم و دستورات مکرر



بود که کارمندان ادارات دولتی موظف به رعایت حجاب شدند و به مرور، این قانون نانوشته عمومیت یافت. تا جایی که در سال ۱۳۶۰، در بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازرگانی نیروی انسانی مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت، بی‌حجابی به‌عنوان تخلف شناخته شد؛ و اماکن و فروشگاه‌ها و مراکز عمومی موظف به نصب تابلویی شدند که بر آن نوشته شده بود: به دستور دادگاه مبارزه با منکرات، از پذیرفتن میهمانان و مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند، معذوریم. تا سال ۱۳۶۲ هیچ قانونی در مورد حجاب و عفاف به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و اولین قانونی که در خصوص پوشش زنان، در کشور به تصویب رسید، ماده ۱۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود. در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» بر اساس این قانون، زنانی که در جمهوری اسلامی ایران هستند، اعم از ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان، مکلف به رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی و معابر شدند. تا جایی که دادستان عمومی تهران در بخشی از اطلاعیه خود می‌نویسد: به تمام مسئولان در ادارات و سازمان‌های دولتی و شرکت‌ها و سایر واحدهای دولتی و خصوصی، اماکن عمومی از قبیل هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، تالارها و باشگاه‌های برگزارکننده مجالس جشن عروسی، غذاخوری‌ها و سایر اماکن عمومی اعلام و ابلاغ می‌دارد، از تاریخ انتشار این اطلاعیه موظفند از ورود بانوانی که رعایت حجاب و پوشش صحیح اسلامی را نمی‌کنند، جلوگیری به عمل آورند. در سال ۱۳۶۵، در مصوبه قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاءعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند؛ نکات جدیدی به چشم می‌خورد. در ماده ۴ این قانون آمده: کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج‌ازنوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند. و ماده ۲، مجازات‌های تعزیری را بدین شرح بیان می‌کند: ۱- تذکر و ارشاد. ۲- توبیخ و سرزنش. ۳- تهدید. ۴- ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده‌کننده. ۵- ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده‌کننده. علاوه بر این در تبصره دو این ماده آمده: مجرمی را که کارمند است، علاوه بر مجازات‌های فوق‌الذکر به یکی از مجازات‌های زیر محکوم می‌نماید: ۱- انفصال موقت تا دو سال. ۲- اخراج و انفصال از خدمات دولتی. ۳- محرومیت استخدام به مدت پنج سال در کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و نهادها و ارگان‌های عمومی و دولتی.



۹- قانون مجازات اسلامی

می‌توان مهم‌ترین قانونی که بی‌حجابی را جرم دانسته و به آن پرداخته، ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ دانست. به موجب این ماده: هرکس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در تبصره این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». البته بنابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه قاضی تشخیص بدهد، می‌تواند حبس و شلاق متهم را به جزای نقدی تبدیل کند. از دیگر قوانین مجلس شورای اسلامی می‌توان به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند اشاره کرد که سال ۶۵ به تصویب رسید. بر اساس این قانون هشت ماده‌ای، تولید، واردات و فروش لباس‌ها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است، جرم محسوب می‌شود و البسه و اشیاء مذکور در حکم قاچاق خواهد بود. در ماده دیگری از این قانون آمده: «کسانی که در انتظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع یا موجب ترویج فساد یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه خواهند شد.» هر چند ضرورت وضع چنین قانونی غیرقابل تردید است، اما مجازاتی که برای این دسته از افراد وضع شده بسیار ناچیز است؛ از جمله مجازات‌های این قانون، تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش، تهدید و... است؛ لذا ممکن است قاضی برای فردی که چند صدهزار لباس غیراسلامی را وارد و آنها را توزیع کرده تنها وی را سرزنش نماید! از جمله ایرادهای اساسی به این قانون آن است که مجازات فروشندگان و تولیدکنندگان بسیار کمتر از مجازات افرادی است که معلول و قربانی عمل این افراد هستند که در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی گذشت. از جمله ایرادهای دیگر این قانون، بی‌توجهی به جرم افرادی است که چنین لباس‌هایی را به صورت رایگان و از روی اغراض دیگر همچون تبلیغ فحشا توزیع می‌کنند که مصداق فروش قرار نمی‌گیرد یا افرادی که به جهت جذب مشتری، چنین لباس‌هایی را به عنوان هدیه یا نمونه می‌دهند. همچنین در این قانون به جرم افرادی که این لباس‌ها را به کشورهای دیگر صادر می‌کنند نیز توجهی نشده است. قانون دیگری سال ۸۵ در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «قانون ساماندهی مد و لباس» به تصویب رسید. در



این قانون ۱۱ ماده‌ای سعی شده است برای حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی، ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک و ترغیب مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیر مأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وظایفی را به عهده برخی وزارتخانه‌ها بگذارد. آنچه با مطالعه این قانون در ذهن تداعی می‌شود آن است که قانون‌گذار تنها به حمایت تولیدکنندگان مد و لباس پرداخته، نه ساماندهی، کما این‌که پس از وضع این قانون نه تنها ساماندهی درباره مد و لباس مشاهده نشده که عکس آن یعنی بی‌سامانی دیده می‌شود. جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حضور سران قوای مقننه و قضائیه و سایر اعضا تشکیل و در آن، کلیات سند حجاب و عفاف مورد بررسی و تصویب اعضا قرار گرفت. به گزارش ایسنا، سند حجاب و عفاف که کلیات آن در ۵ فصل به تصویب اعضا رسید، یک سند جامع و همه‌جانبه‌نگر بوده و قرار است اعضا در شور دوم که ورود به جزئیات است، اصول، ارزش‌ها، راهبردها و تقسیم و نگاهت نهادی که بین ۳۴ نهاد کشور صورت گرفته و همچنین مسیرها و نقشه راهی را که منجر به تحقق و اجرای اصول راهبردی این سند خواهد شد، مورد توجه قرار دهند. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در این جلسه پس از بحث پیرامون شناخت معرفتی و علت‌یابی موضوع حجاب و وضعیت آن در جامعه امروز ایران، تأکید داشتند که در این موضوع مهم ضمن اینکه نظام و حکومت اسلامی مسئولیت دارد؛ مردم و جامعه مدنی نیز نسبت به صیانت از ارزش‌های فرهنگی و حجاب و عفاف در جامعه دارای مسئولیت هستند. در تعریف و حدود حجاب شرعی، آنچه در فقه امامیه بر سر آن اجماع شده است آن است که تمام بدن زن به جز صورت (وجه) و کف دست‌ها (کفین)، در حکم عورت است و زن باید آن را از دیدگان بیگانه بپوشاند. به نظر می‌رسد جرم بی‌حجابی از جمله جرایم عمدی باشد چون مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیر قانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. البته لازم نیست که این قصد به منظور جریحه دار کردن عفت عمومی باشد، بلکه ممکن است عمل ارتكابی از روی غفلت یا بی احتیاطی یا بی مبالاتی صورت گرفته باشد، هر چند فاعل قصد حاصل حرام را نداشته باشد. در مورد اینکه اراده در وقوع جرم بی‌حجابی به چه نحوی باید باشد باید بگوییم که جرائم باتوجه به نقش اراده تقسیم می‌شوند به جرم مطلق و جرم مقید. چنانچه جرم مقید به ایجاد نتیجه‌ای باشد یعنی نتیجه‌ای که برای آن از سوی مرتکب در نظر گرفته حاصل شده (مانند قتل که با سلب حیات از مجنی علیه تحقق می‌یابد) آن را جرم مقید می‌گویند؛ ولی اگر صرف انجام عمل مجرمانه صرف نظر از ایجاد نتیجه در نظر باشد (مانند نشر اکاذیب) آن را جرم مطلق گویند (شامبیاتی ۱۳۷۱ ج ۱: ۳۶۰). در مورد



جرم بی حجابی باید گفت که این جرم از جمله جرایم مطلق است چرا که در این جرایم، سوءنیت عام که عبارت از اراده خودآگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه است کفایت می‌کند.

نتیجه گیری

در هر جامعه‌ای که روابط زن و مرد بر اساس عفت و پاک‌دامنی باشد و زنان در خارج از خانواده به فکر عرضه و خودنمایی خویشتن نباشد قلب‌ها آرام و روح‌ها سالم خواهد بود اهمیت حجاب و پوشش اسلامی تا جایی است که خداوند متعال در بسیاری از سوره‌های قرآن از آن به‌عنوان یک ضرورت یاد می‌کند و آن را حافظ انسان در برابر بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی می‌داند. از نظر اسلام حجاب فقط اختصاص به زن ندارد بلکه نوعی پرده است که در روابط میان زن و مرد وجود دارد. نتیجه کلی اینکه حجاب زن باید به صورتی باشد که بدن زن را کاملاً پوشانده و از نظر عرف هم غیرمتعارف و مفسده‌انگیز نباشد. وجود جامعه سالم در گرو افراد سالم و مقید به احکام اسلامی است. چنانچه فرد سلامتی روحی و روانی خود را بازیابد جامعه نیز درمان خواهد شد. اگر مرد گرایش جنسی را تنها به همسر شرعی خود اختصاص دهد و زن جاذبه‌ها و زیبایی خود را در اختیار نامحرمان نگذارد، راه فساد جنسی مسدود می‌شود و کمتر دل به این‌وآن خواهد سپرد و اگر قرار باشد زن آرایش و زیبایی خود را در ملاعام و در معرض نگاه دیگران بگذارد بی‌تردید علایق خانواده سست و دل‌ها به هوس‌های نفسانی سپرده می‌شود و همین‌جا محل وسوسه شیطان و نفوذ فساد و مقدمه فروپاشی خانوادگی است. بر اساس قانون، زنانی که در جمهوری اسلامی ایران هستند، اعم از ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان، مکلف به رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی و معابر شدن. تمام فقهای اهل سنت، اصل وجوب پوشش بدن زن را واجب شمرده و بر آن ادعای اجماع نموده‌اند. علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت پوشش چهره را لازم نمی‌دانند. اما در مورد پوشش قدم‌ها هر چند به‌عنوان یک نظریه در میان حنفی‌ها مطرح شده است. اما برخی معتقدند عسر و حرج در مورد پا بیشتر از مچ دست می‌باشد، به‌ویژه در مورد زنان روستایی و فقیر که برای امرارمعاش نیاز به تردد در بیرون از خانه دارند. ولی برخی تصریح کرده‌اند، مقصودشان فقط در حال نماز است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن انس، مالک، بی‌تا، المدونه الكبرى، مصر، ج ۱، ص ۹۴.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۰.
- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر ابن کثیر (۱۴۱۲ هـ)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.



- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، بی تا، (۱۴۰۵ق)، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۷۶.
- ابو داوود سلیمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمران الأزدی السجستانی، سنن ابو داود، ج ۲، ص ۶۵۸.
- ابوالبرکات، سیدی احمدالدردیر، بی تا، الشرح الکبیر، داراحیاءالکتب العربیه - عیسی البابی الحلبی و شرکاء، ج ۱، ص ۲۱۴.
- ابوزید، نصرحامد، (۲۰۰۴م)، دوائر الخوف، بیروت، مرکز الثقافی العربی، چاپ سوم.
- اردبیلی، احمد، (۱۴۲۱م) زبده البیان، قم، انتشارات مؤمنین.
- اسدالله، جنت بوداغی اشرف، (۱۳۸۶ هـ) سرسخت، "حق و مسئولیت زن در عرصه‌های اجتماعی"، حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی، چاپ اول: مجمع جهانی مذاهب اسلامی، ص ۲۰۵ و ۲۰۷.
- اکبری، محمدرضا، (۱۳۸۷)، حجاب در عصر ما، انتشارات پیام آزاده.
- اکبری، محمدرضا، (۱۳۷۷)، حجاب در عصر ما، انتشارات پیام آزاده، ص ۱۳۷.
- اندلسی، (۱۴۱۵ق)، ج ۱، ص ۹۵.
- بیهقی، احمد بن حسین، بی تا، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
- بیهقی، (۱۴۱۸ق): ج ۱، ص ۳۱۶.
- عبدالوهاب، بی تا، ج ۱، ص ۵.
- ترمذی، (۱۴۰۳ق)، ج ۴، ص ۱۹۹.
- جزیری، عبدالرحمن، بی تا، کتاب الفقه المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۹۰.
- جلالی، زینب، (۱۳۸۲)، جزوه حجاب از دیدگاه روان‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه حجاب.
- حدادعادل، غلامعلی، (۱۳۸۱) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ، تهران، انتشارات سروش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲-۱۴۰۹ هـ)، تفصیل وسائل الشیعه الی مسائل الشریعه، قم.
- حرانی، (۱۴۱۳ق)، ج ۲، ص ۲۵۹.
- حسینیان، روح‌الله، (۱۳۷۶)، حریم عفاف، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- حکیم، محسن، (۱۴۰۴ هـ)، مستمسک العروه الوثقی، قم، چاپ افست.
- خبرگزاری تسنیم.
- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).
- خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۹) تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ اول.
- خمینی، (۱۳۸۶ش) . ج ۵، ص ۲۹۴، ج ۶، ص ۳۲۹، ج ۱۲، ص ۵۰۲.
- حصکفی، محمد بن علی بن محمد الحسینی، (۱۴۱۵ق)، ج ۱، ص ۴۲۷.
- رعینی، (۱۴۱۶ق)، ج ۲، ص ۱۸۱.
- دسوقی، (۱۴۱۴ق)، ج ۱، ص ۲۱۴.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، (۱۹۷۳م)، فتح القدر، بیروت، ج ۲، ص ۵۵.
- مصری، (۱۴۱۸ق)، ج ۱، ص ۴۶۹.
- کاشانی، (۱۴۰۹ق)، ج ۵، ص ۱۲۱.
- ماردینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۵.
- اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۲۲.
- رجیبی، عباس، (۱۳۸۸)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، مقاله مجله پیام زن، شماره ۲۱۵.
- رعینی، (۱۴۱۶ق)، ج ۲، ص ۱۸۱.
- زحلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، (۱۴۱۸ق)، ج ۱، ص ۷۳۹.
- ساعتچی، احمدعلی (۱۳۸۶)، چرا حجاب، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول.
- ساس، محمدعلی الساس الاستاذ بالآزهر الشریف، بی تا، تفسیر آیات الاحکام، ص ۵۸۶.
- سرخسی، محمدبن احد بن ابی سهل شمس الاکمه، (۱۴۰۶ق)، الميسوط، ج ۱۰، ص ۱۴۵.
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۳ق)، الدر المنثور، بیروت، دار الفکر.
- شافعی، (۱۴۰۳ق): ج ۱، ص ۱۰۹.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات پازنگ، جلد ۱، ص ۳۶۰.
- شکوری، محمد، (۱۳۹۰)، «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب»، مجله فرهنگ دانشگاه علم و صنعت، ش ۹، ص ۷۰۶.
- شهید اول، شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی، (۱۳۷۷)، اللمعه الدمشقیه، تهران، نشر الهام، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی جمعی عاملی، (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی الشرح اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات داوری، چاپ دوم.



- شوکانی، محمد بن علی زیدی، بیروت، (۱۹۷۳م)، ج ۲، ص ۵۵.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، (۱۴۱۷)، العروه الوثقی، قم.
- جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۱۰)، الفقه المذاهب الاربعه، بیروت، وهبه مصطفی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵) مجمع البحرين، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طیبی، ناهید، فرهنگ عفاف حجاب راهکار نهادینه سازی گسترش و حفظ باورهای دینی، ص ۱.
- عبدالوهاب، بی تا: ج ۱، ص ۵
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۵۹)، اصول کافی، مترجم سید جواد مصطفوی.
- کوهی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، انتشارات اتقان.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ق) المعتبر فی الشرح المختصر، به تحقیق محمدعلی حیدری، سید ابومحمد مرتضوی، سید علی موسوی، قم، مؤسسه سیدالشهدا، چاپ اول.
- محمدی آشنایی، علی، (۱۳۷۰)، مسئله حجاب، بی جا، ارم.
- مزنی، بی تا: ص ۱۶.
- شریبئی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۸۵.
- نووی، بی تا: ج ۳، ص ۱۶.
- رافعی، بی تا: ج ۴، ص ۸۸.
- مصطفوی، سید جواد، (۱۳۶۹)، حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی و کنفرانس زن، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، (۱۳۶۰)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، (۱۳۸۷)، ج ۱۹، ص ۴۳۴.
- مطهری، (۱۳۶۷)، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، (۱۳۵۳)، مسئله حجاب، تهران، نشریه اعجاز اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، (بی تا)، الفقه فی مذاهب الخمسه، تهران، نشر تک رنگ.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (۱۳۷۴)، تهران، ج ۱۴، ص ۴۶۷